**امام علی(ع) و تربیت فرزند(2)**

**پدید آورنده : علی همت بناری**

|  |
| --- |
| ب)تربیت اخلاقی  یکی از ابعاد مهم تربیت اسلامی تربیت اخلاقی است. مراد ازتربیت اخلاقی اعمال روشها و به کارگیری اصولی است که در پرتوآنها فرد فضایل اخلاقی راکسب می کند و صفات رذیله رااز خود دورمی سازد. بامطالعه و بررسی سیره تربیتی امام علی(ع)به خوبی آشکار می گردد که تربیت اخلاقی در کنار تربیت دینی مهمترین واساسی ترین بعد تربیت بوده، آن حضرت بیشترین تلاش خویش را صرف این دو بعد تربیتی فرزندان کرده است. نامه ها و وصایای آن حضرت به فرزندان گواه صادقی بر این مدعاست. بررسی تربیت اخلاقی فرزندان از دیدگاه امام علی(ع)و سیره آن حضرت، کتابی مستقل نیازدارد. بدین سبب،تنها برخی از روشهای تربیت اخلاقی مورد نظر آن حضرت را مورد بررسی قرار می دهیم:  1- الگوی عملی بودن  به نظر می رسد مهمترین و کارآمدترین روشی که ائمه علیهم السلام در تربیت اخلاقی فرزندانشان به کار می گرفتند، رفتار عملی آنان بود. آنها خود الگوی کامل و مطمئن اخلاقی برای فرزندانشان بودند. اعمال و رفتارشان هر لحظه در منظر فرزندان قرار داشت وفرزندان با دیدن آنها مشق زندگی می گرفتند. سیره تربیتی علی(ع)مملواز رفتارهای عملی است که برای همه سرمشق بود.  2- موعظه  پند دادن یکی از روشهای اخلاقی است که در سیره تربیتی علی(ع)بسیار دیده می شود. آن حضرت در فرصتهای مناسب فرزندان خویش را پند می داد و دلهای پاک و نورانی آنان را نورانی ترمی ساخت. روش تربیتی موعظه چنان در سیره تربیتی آن حضرت مهم بودکه حتی در بستر شهادت از آن بهره جست. نامه طولانی حضرت به فرزند معصومش از مهمترین جلوه های این روش تربیتی شمرده می شود.  3- یاد مرگ و قیامت  از جمله روشهای تربیت اخلاقی، یاد مرگ و قیامت است. یاد مرگ وقیامت موجب می شود انسان از آرزوهای مادی جدا گردیده، به گناه تن ندهد. علی(ع)در خطبه ها و نامه هایش همواره مرگ را یادآوری می کرد و بخصوص فرزندانش را به فراموش نکردن آن توصیه می فرمود.حضرت ضمن نامه ای به امام حسن(ع)می فرماید: «فرزندم!  فراوان به یاد مردن باش و به یاد موقعیتی که در آن قرار می گیری و پس از مردن بدان روی می کنی تا چون برتو درآید، ساز خویش راآراسته و کمر خود را بسته باشی چنان نباشد که ناگهان مرگ تورادریابد و برتو چیره گردد» .  ج)تربیت اجتماعی  تربیت اجتماعی از ابعاد مهم تربیت در نظام تربیتی اسلام است.  اسلام دین عزلت گزینی و فردگرایی نیست بلکه علاوه بر توجه به امورفردی، به مسایل اجتماعی نیز توجه ویژه دارد و این یکی ازامتیازهای بزرگ دین خاتم است. در سیره معصومان علیهم السلام،بویژه امام علی(ع)،تربیت اجتماعی از جایگاهی ویژه و با اهمیت برخوردار است. مراد از تربیت اجتماعی مجموعه دیدگاهها در زمینه روابط اجتماعی و نیز رفتارهای عملی است که امام علی(ع)فرزندانش را به آن سفارش می کرد.  1- تربیت اجتماعی در خانه:  آغاز تربیت اجتماعی از جامعه کوچک خانواده است و فرزندان نخستین برخوردهای اجتماعی را در درون خانه تجربه می کنند. رفتاربا پدر، مادر، برادران و خواهران ابتدایی ترین ارتباطات اجتماعی فرزندان است. اگر فرزندان بتوانند توافق و سازگاری مناسب داشته باشند و آن را در خانه و با نزدیکان خویش به درستی تجربه کنند،در بیرون از محیط خانه و در اجتماع بزرگتر نیز نقش اجتماعی خودرا به درستی ایفا خواهند کرد. درسیره تربیتی امام علی(ع)این نکته مورد توجه بود و آن حضرت با ایجاد رابطه اجتماعی صحیح میان فرزندان خود به تربیت اجتماعی آنان اقدام می فرمود. درروایت آمده است: امام علی(ع)به امام حسن(ع)و امام حسین(ع)  فرمود: «شما را به تقوای الهی و گرایش و رغبت به آخرت و زهددر دنیا سفارش می کنم. بر آنچه از دنیا از دست داده اید، تاسف نخورید. کار خیر انجام دهید و دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید.» سپس فرزندش محمد را صدا زد و فرمود: «آیا آنچه را به برادرانت سفارش کردم شنیدی؟» او گفت: «آری.»  فرمود: «شما را نیز به آنها سفارش می کنم. بر تو باد به نیکی به برادرانت امام حسن(ع)و امام حسین(ع)و رعایت احترام آنها وشناخت فضل و مقام آنان. بدون نظر آنان کاری انجام مده.»  سپس به امام حسن(ع)وامام حسین(ع) فرمود: «شما را به نیکی درباره محمد وصیت می کنم; زیرا او برادر شما و فرزند پدر شماست.  می دانید پدرتان پیوسته او را دوست می داشت، پس شما نیز او رادوست بدارید»  2- تربیت اجتماعی خارج از خانه:  فرزند در خارج از خانه با اجتماع سر و کار دارد و در پرتواین ارتباط به زندگی اجتماعی خود استمرار می بخشد. از این رونیازمند برقراری ارتباط سالم و عاطفی با دیگران است. علی(ع)درهنگام احتضار، امام حسن(ع)و امام حسین(ع)و محمد بن حنفیه وسایر فرزندان خود را جمع کرد و در پایان وصیت خویش فرمود:  «یابنی عاشروا الناس عشره ان غبتم حنوا الیکم و ان فقدتم بکو علیکم.»  با مردم به گونه ای معاشرت و ارتباط داشته باشید که اگر ازنظرشان دور شدید دل در هوای شما داشته باشند و اگر مردیدشدیدبر شما بگریند.  3- میزان ومعیار رابطه درست با دیگران:  امام علی(ع)در سیره تربیتی خویش برای برقراری ارتباط درست وسالم با دیگران و نیز برخورد با آنها معیار و ملاک کلیدی را به فرزندان خود ارائه فرمود و آن نقش انسان است: «یا بنی اجعل نفسک میزانا فیما بینک و بین غیرک...»  فرزندم! خود را میان خویش و دیگری میزان قرار ده، پس آنچه رابرای خود دوست می داری، برای غیر خود نیز دوست داشته باش و آنچه را برای خود خوش نداری، برای دیگری نیز خوش مدار; ستم نکن چنانکه دوست نداری به تو ستم شود; و نیکی کن چنانکه دوست داری به تو نیکی کنند....»  د)تربیت جسمانی  درسیره تربیتی معصومان علیهم السلام تربیت جسمانی و حفظتندرستی مورد توجه واقع گردیده; جسم مرکب روح و حفظ سلامتی جسم،مقدمه سلامتی روح تلقی شده است. از این رو تغذیه مناسب و رعایت نکات بهداشتی در سیره تربیتی حضرت علی(ع)مورد توجه ویژه قرارگرفته است.  1)تغذیه:  تغذیه مناسب یکی از عوامل تداوم سلامت انسان است و برای کودکان و نوجوان اهمیت ویژه دارد. برای کودک شیر مادرمناسب ترین و با برکت ترین ماده غذایی است. علی(ع) می فرماید:  «مامن لبن رضع به الصبی اعظم برکه علیه من لبن امه.»  برای نوزاد هیچ شیری با برکت تر از شیر مادر نیست.»  برای اینکه اهمیت این کلام علی(ع)بیشتر آشکار گردد، توجه به کلام یکی از متخصصان رشد کودکان سودمند می نماید:  «غذای ایده آل برای نوزادان، شیر مادر است. شیر مادر دارای مزایای خوراکی، بهداشتی، کاربردی و عاطفی می باشد.  مزیت خوراکی:  شیر مادر دقیقا دربردارنده همان موادی است که نوزاد برای رشدو فعالیت نیاز دارد.  مزیت بهداشتی:  شیر مادر و آغوز، نوزاد را در برابر بسیاری از عفونتها وامراض مصون می سازد. البته اگر خود مادر مبتلا به بیماری نباشد، شیر مادر همچنین برای رشد و سلامت سیستم گوارش نوزاد مناسب است.  مزیت کاربردی:  فواید کاربردی شیر مادر زیاد است اما از همه مهمتر اینکه دستورالعمل مخلوط کردن نمی خواهد، مجانی است و نوزاد هر وقت و هرمقدار بخواهد، می تواند بنوشد و محدودیتی ندارد.  مزیت عاطفی:  بین مادر و نوزادی که از مادر تغذیه می کند یک رابطه عمیق عاطفی ایجاد می شود چرا که مادر احساس می کند چیزی را که نوزادنیاز دارد، او تامین می کند.»  2- رعایت نکات بهداشتی:  علاوه بر تغذیه سالم و مقوی، رعایت نکات بهداشتی چه در هنگام غذا خوردن و چه در تداوم سلامتی کودک نقشی مهم دارد،حضرت علی(ع)به فرزندش امام حسن(ع)فرمود: آیا نمی خواهی چهار صفت به تو آموزم که از پزشک و دارو بی نیاز شوی؟  عرض کرد: آری.  حضرت فرمود: هرگز بر سر غذا منشین مگر اینکه گرسنه باشی و ازغذا دست مکش مگر اینکه هنوز به غذا اشتها داشته باشی. در جویدن غذا خوب دقت کن و در وقت خواب خود رااز فضولات فارغ ساز. اگراین دستورها را بکار بندی، از پزشک بی نیاز خواهی شد.»  شیوه های تربیت فرزندان درسیره و کلام امام علی(ع):  روش شناسی و بررسی شیوه های تربیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از جایگاهی مهم برخوردار است. در واقع درخت پرثمر تربیت آنگاه به بار می نشیند که نکات تربیتی درقالب شیوه های درست ومناسب در امر تربیت فرزندان به اجرا درآید. امام علی(ع)درسیره تربیتی خویش روشها وشیوه هایی را به کار گرفت که کشف و بررسی آنها ره توشه بزرگی برای رهروان راستین آن حضرت به شمار می آید.  برخی از مهمترین شیوه های تربیتی آن حضرت عبارت است از:  الف)شیوه محبت  استفاده از محبت، از موثرترین و کارآمدترین شیوه های تربیتی است. محبت جاذبه می آفریند، انگیزه خلق می کند. انسانهای پرتلاطم و مضطرب را آرامش می بخشد و فرزندان نابهنجار و ناسازگار را رام می کند. محبت شیوه ای است که به مرحله ای خاص از تربیت اختصاص ندارد; اما کودکان و نونهالان بیشتر به آن نیازمندند. حبس کردن محبت در دل و پرهیز از اظهار آن، کارساز نیست و در فرزندانگیزه و جاذبه پدید نمی آورد. از این رو، باید به روشهای مناسب ابراز گردد. برای کودکان در آغوش گرفتن و بوسیدن و برای بزرگترها دادن هدیه و اظهار محبت زبانی از مناسب ترین شیوه هاست.  علی(ع)می فرماید: «هر که فرزند خود را ببوسد، برای او پاداش وحسنه خواهد بود و هر که فرزند خود را شاد کند، خداوند در روزقیامت او را شاد خواهد فرمود...»  آن حضرت هنگام موعظه فرزندان با جملاتی محبت آمیز و پرجاذبه آنها را آماده شنیدن و گوش جان سپردن می ساخت. در نامه ای به امام حسن(ع)چنین می فرماید: «...وجدتک بعضی بل وجدتک کلی حتی کان لواصابک اصابنی...»  (فرزندم!)تو جزئی از وجود و بلکه تمام وجود منی; به طوری که اگر به تو بلایی رسد، به من رسیده است و اگر مرگ تو را در کام گیرد، مرا در کام گرفته است. آنچه از وضع و حال تو مورد توجه من قرار گرفته همان وضع و حال خود من است که برایم اهمیت بسیاردارد...»  ب)شیوه احترام به شخصیت فرزند  از دیگر شیوه های مهم تربیتی در سیره کلام امام علی(ع)، شیوه احترام به شخصیت فرزند و واگذار کردن مسوولیت به او است.  احترام به فرزند و تکریم شخصیت او، اعتماد به نفس را در وی تقویت می کند و او را برای انجام مسوولیتهای مهم فردی و اجتماعی آماده می سازد. از سوی دیگر، تحقیر و سرزنش زیاد فرزند، آتش لجاجت و دشمنی را در او شعله ور می سازد. علی(ع)دراین زمینه می فرماید:  «الا فراط فی الملامه یثبت ناراللجاجه »  زیاده روی در سرزنش، آتش لجاجت را در فرد روشن می کند.»  درحدیثی دیگر می فرماید: «عقاب و تندی زیاد نداشته باشید;زیرا این امر کینه را در پی دارد و فرد را به سوی دشمنی فرامی خواند.»  علی(ع)در سیره تربیتی خود شیوه احترام به شخصیت فرزندان رامورد توجه ویژه قرار داده و با واگذار نمودن مسوولیت مناسب به آنان، حس اعتماد به نفس و احساس شخصیت را در آنان تقویت می فرمود. موارد زیر نشان دهنده اهتمام امام(ع) بدین امر است:  1- «روزی امیرمومنان علی(ع)در حالی که امام حسن(ع)و سلمان همراهش بودند و حضرت به دست سلمان تکیه زده بود، واردمسجدالحرام شد و نشست. در این هنگام، مردی با چهره و لباس زیباوارد شد; به حضرت سلام کرد، مقابل وی نشست و گفت: ای امیرمومنان! از تو درباره سه مساله می پرسم؟  حضرت فرمود: بپرس.  عرض کرد: وقتی انسان می خوابد، روحش کجا می رود؟ چگونه انسان به یاد می آورد و فراموش می کند؟ و چگونه فرزند انسان به عمه هاوخاله هایش شباهت پیدا می کند؟  امیرالمومنان علی(ع)به امام حسن(ع)فرمود: ای ابامحمد! جوابش را ده.  وامام حسن(ع)پاسخ پرسشها را به تفصیل بیان کرد.  2- شخصی خدمت امیرالمومنان رسید و گفت: اگر دانشمندی، بگومراد از «الناس » و «اشباه الناس » و «النستامن »(درقرآن)چیست؟  حضرت به امام حسین(ع)فرمود: حسین، پاسخ ده.  امام حسین(ع)با استناد به آیات قرآن پرسش را پاسخ داد.  3- گروهی نزد امیرالمومنان(ع)از خشکسالی شکایت کرده و ازحضرت خواستند دعا کند و از خداوند باران بخواهد. حضرت امام حسن(ع)و امام حسین(ع)را صدا زد و به امام حسن(ع)فرمود:  برای آمدن باران دعا کن.  امام(ع)دعا کرد. سپس به امام حسین(ع)فرمود: دعاکن.  امام حسین(ع)نیز دعای استسقا خواند. هنوز آن دو بزرگوار دست از دعا نکشیده بودند که خداوند تبارک و تعالی باران را فروفرستاد. بارانید، راوی می گوید از سلمان سئوال شد آیا آنها این دعاها را تعلیم دیده اند؟ عرض کرد وای بر شما حدیث رسول الله(ص)را نشنیده اید که فرمود: خداوند بر زبانهای اهل بیت من چراغهای حکمت را جاری نمود»  4- روزی اهل کوفه خدمت علی(ع)، از خشکسالی شکایت کردند و ازحضرت خواستند برای آنان باران بطلبد. امام علی(ع)به فرزندش حسین(ع)فرمود: برخیز و باران طلب کن. و حسین(ع)ایستاد، حمد وسپاس خداوند گفت; و بر پیامبر علیهم السلام درود فرستاد و عرض کرد: «اللهم معطی الخیرات و منزل البرکات،ارسل السماءعلینامدرارا و استضاغیثا مغرورا واسعا غدقا مجللاسحاسفوحا نجاجا، تنفس به الضعف من عبادک و تحیی به المیت من بلادک، آمین رب العالمین »  هنوز حسین(ع)از دعا فارغ نشده بود که باران بارید و بعضی ازبیابان نشینان اطراف کوفه خبر دادند که دره ها از آب باران آکنده شده است.  ج)شیوه تشویق و تنبیه  از شیوه های مسلم تربیتی، تشویق و تنبیه است. تشویق عامل برانگیزاننده و تنبیه عامل بازدارنده است. شیوه تشویق باعث ایجاد انگیزه و رغبت در فرزند گردیده، شوق رفتار مثبت را در اومضاعف می کند. البته درباره این شیوه بحثهای بسیار مطرح است.  تشویق مقدم است و یا تنبیه؟  تشویق بطور مطلق و در همه مقاطع سنی مفید و موثر است یابیشتر در دوران کودکی؟  ابزار و وسایل تشویق چیست و انواع آن کدام است؟  ملاک تشویق چیست و تشویق چه وقت موثر و کی زیانبار است؟  آیا تنبیه حدودی دارد یا خیر؟  آیا تنبیه بدنی جایز است؟  در چه جاهایی باید از تنبیه استفاده کرد؟  مراتب تنبیه کدام است؟  اینهابخشی از پرسشهایی است که پیرامون این شیوه مطرح است ومجال بحث آنها در این مقال نیست. آنچه در اینجا بدان می پردازیم آن است که تشویق و تنبیه از شیوه های مسلم تربیتی است; تشویق حتی الامکان بر تنبیه مقدم است و فقط وقتی تشویق کارساز نباشد،از تنبیه بهره می بریم. علی(ع)در سیره تربیتی خود از این شیوه بهره جسته است. موارد زیر بر درستی این سخن گواهی می دهد:  1- تشویق:  درکتاب منتخب آثار امیرالمومنین(ع)چنین روایت شده است: روزی پیامبراکرم(ص) نشسته بود و علی(ع)نزد او بود. در این هنگام،حسین(ع) که شش سال بیشتر نداشت. وارد شد. رسول خدا(ص)او رادر آغوش گرفت و لبها و میان چشمانش را بوسید. علی(ع)پرسید: آیافرزندم حسین(ع)را دوست داری؟  فرمود: چگونه او را دوست نداشته باشم درحالی که او عضوی ازاعضای من است.  سپس پرسید: یا رسول الله(ص)کدامیک از ما نزد تو عزیزتراست؟ من یا حسین؟  در این هنگام حسین(ع)فرمود: ای پدر هر که از حدیث شرف عالی تراست نزد نبی(ص) محبوبتر است و منزلت بیشتری دارد علی(ع)فرمود:  حسین! آیا بر من فخر می فروشی؟  عرض کرد: پدر، با اجازه شما آری.  آنگاه علی(ع)فرمود: من امیرالمومنانم، من زبان راستگویانم،من وزیر مصطفایم.. ..  امام(ع)حدود هفتاد منقبت از مناقب خود را برشمرد و لب فروبست. پیامبراکرم(ص)به حسین(ع)فرمود: شنیدی اباعبدالله؟ آنچه علی ذکر کرد، یک دهم از یک دهم فضایل و از هزار هزار فضیلت اواست; و او از همه اینها بالاتر است.  حسین(ع)عرض کرد: حمد و ستایش خداوندی را سزاست که ما را بربسیاری از بندگان مومنش و تمام مخلوقاتش برتری بخشید.ای امیرمومنان! در آنچه بیان کردی صادق و امینی.  آنگاه نبی اکرم(ص)به حسین(ع)فرمود: اکنون تو فضایلت را بیان کن.  حسین(ع)فرمود: من حسین فرزند علی بن ابیطالب هستم. مادرم فاطمه زهرا سیده زنان جهان و جدم محمدمصطفی سرور تمام بنی آدم است. ای علی، مادرم نزد خدا و تمام مردم بافضیلت تر از مادرتواست و جد من نزد خدا و مردم از جد تو افضل است. جبرائیل واسرافیل در گهواره با من هم سخن شدند. ای علی! شما نزد خداونداز من برتری; اما از نظر پدران و مادران و اجداد، من از شمامفتخرترم.  آنگاه حسین(ع)دست به گردن پدر افکند و او را بوسید وعلی(ع)حسین(ع)را می بوسید و می فرمود: خداوند بر شرف، عظمت،افتخار، دانش و شکیبایی ات بیفزاید و ستمگران به تو را لعنت کند.  این حدیث نشان می دهد حضرت علی(ع)شیرین کاری کودکش رابابوسیدن و در آغوش گرفتن وی پاسخ داد و تشویق کرد.  اصبغ بن نباته نقل می کند «آن هنگام که علی(ع)بر مسند خلافت نشست و مردم با او بیعت کردند، به مسجدرفت و در حالی که عمامه، لباس، کفش و شمشیر رسول الله(ص)راهمراه داشت، بر منبر نشست و با مردم سخن گفت... . سپس به حسن(ع)دستور داد خطبه بخواند و او خطبه خواند. آنگاه به حسین(ع)فرمود: «فرزندم! بر بالای منبر بایست و چنان سخن بگو تاپس از من برای قریش ناشناخته نباشی و نگویند حسین(ع)چیزی درک نمی کند. باید سخنان تو به دنبال سخنان برادرت باشد.  حسین(ع)از منبر بالا رفت، خدا را ستود، بر رسولش درود فرستادو فرمود: «ای مردم! از رسول خدا شنیدم که فرمود: «همانا علی شهر هدایت است; هر که در آن داخل شد، نجات می یابد و هر که ازآن تخلف کرد، هلاک می گردد.»  در این لحظه، علی(ع)به طرف او رفت، او را به سینه فشرد وبوسید...»  2)تنبیه:  همچنان که تشویق در سیره امام علی(ع)روشی کارآمد است، حضرت ازروش تنبیه نیز در مواردی استفاده می فرمود. البته فرزندان تربیت یافته علی(ع) بویژه دو فرزند معصومش حسن و حسین علیهما السلام به تنبیه نیاز نداشتند.  اما در مواردی که مساله ای بسیار مورد اهتمام علی(ع)بوده وفرزندان آن حضرت ترک اولی انجام می دادند، آن حضرت موضعی سختگیرانه و انعطاف ناپذیر داشته اند و گاهی فرزندان خود راتهدید می نمودند; برای نمونه در امور مربوط به بیت المال که بسیار برای آن حضرت مهم می نمود، آنگاه که فرزندان در مورد آنهااحتیاط نمی نمودند و موجب ترک اولی می شدند، حضرت بسیار سخت می گرفتند. در ذیل به دو نمونه اشاره می گردد:  1- گردنبند عاریه ای:  علی بن ابی رافع می گوید: من خزانه دار و کاتب بیت المال درحکومت علی(ع) بودم، در بیت المال علی گردنبندی بود که در جنگ بصره به دست آمد، دختر علی(ع) کسی را نزد من فرستاد و گفت:  شنیدم که در بیت المال امیرالمومنین گردنبند مروارید وجود داردو آن در اختیار شماست و من دوست دارم که آن را به عنوان عاریه به من بدهی تا در ایام عید قربان خود را با آن زینت دهم. من به او پیغام دادم که آیا آن را به شکل عاریه مضمونه مردوده به تودهم؟ عرض کرد بلی. به مدت سه روز آن را به او دادم.  علی(ع)گردنبند را بر گردن دخترش دید و آن را شناخت، از اوپرسید: این گردنبند چگونه به تو رسید؟ گفت: آن را از علی بن ابی رافع خزانه دار بیت المال امیرالمومنین عاریه گرفتم تا درایام عید از آن استفاده نمایم و بعد آن را به بیت المال برمی گردانم. علی(ع)به دنبال من فرستاد و من نزد او آمدم، و ایشان خطاب به من فرمود: «ای ابن ابی رافع! آیا به مسلمین خیانت می کنی؟ من به او گفتم: به خدا پناه می برم از اینکه به مسلمین خیانت کنم. فرمود: چگونه بدون اذن من و رضایت مسلمین به دخترامیرالمومنین عاریه داده ای؟ عرض کردم: یا امیرالمومنین! اودختر توست و او از من خواست که عاریه ای به او بدهم و من هم به صورت عاریه مضمونه مردوده به او داده ام، من آن را از اموال خودم ضمانت کردم و بر من واجب است که سالم آن را به بیت المال برگردانم. حضرت فرمود: همین امروز آن را برگردان و برحذر باش از اینکه دوباره چنین کنی، که در آن صورت تو را عقوبت خواهم کرد. سپس فرمود: اگر دخترم گردنبند را به صورت عاریه مضمونه مردوده نمی گرفت، نخستین فرد هاشمی بوده که دستش را به خاطردزدی قطع می نمودنم. این برخورد حضرت به گوش دخترش رسید و به پدرش عرض کرد: یا امیرالمومنین! من دختر و پاره تن شما هستم پس چه کسی سزاوارتر از من به استفاده از این گردنبند هست؟  امیرالمومنین(ع)فرمود: ای دختر علی بن ابیطالب! خودت را از حق دور مکن; آیا زنان مهاجرین نیز در ایام عید به چنین چیزی خودرا زینت می دهند؟! سپس حضرت گردنبند را از او گرفت و به جایش برگردانید.»  2- امام حسن(ع)و میهمانی:  روزی برای امام حسن(ع)میهمان آمد، حضرت از قنبر پیمانه ای ازعسلی که از یمن آورده بودند، قرض نمود، هنگامی که علی(ع)آماده تقسیم آن بین مسلمین گردید، فرمود: یا قنبر! این ظرف عسل دست خورده است. عرض کرد: درست گفته ای. و جریان را به حضرت گفت،حضرت درمقام کتک زدن حسن(ع)برآمد و فرمود: «چه چیزی تو راواداشت که قبل از تقسیم عسل از آن برداری؟ حسن(ع)فرمود: ما هم از آن حقی داریم و وقتی سهم ما داده شد، آن را به جایش برمی گردانم. حضرت فرمود: پدرت به فدایت باد، هر چند تو نیز ازآن حق داری اما تو اجازه نداری قبل از آنکه مسلمین از حقوقشان بهره مند شوند، تو از حقت بهره مند گردی. اگر نه این که خودم دیدم رسول خدا(ص)دندانهای پیشین تو را می بوسید، تو را به صورت دردناکی تنبیه می نمودم. سپس به قنبر درهمی دادند و فرمود: «بااین درهم بهترین نوع عسلی که ممکن است، تهیه کن.» راوی می گوید: گویا به دستان حضرت که بر دهانه ظرف عسل بود، نگاه می کردم و قنبر عسل را به آن برگردانید و دهانه آن را بست وحضرت دعا می کرد: «پروردگارا! حسن را ببخش، او نمی دانست.»  د)شیوه الگویی:  شیوه الگویی نیز از شیوه های مهم تربیتی است زیرا در پرتوی آن شخصی تربیت شده با نصب العین قرار دادن رفتار و کردار الگوها،آنها را نیز در خود ایجاد نموده و به تدریج درونی می کند. این شیوه تربیتی امام علی(ع)از اهمیت زیادی برخوردار است و آن حضرت به دو طریق از این شیوه تربیتی فرزندان خود بهره می جستند: یکی از طریق معرفی نمودن الگوهای مطمئن و دیگری الگو بودن خودشان برای آنان. علی(ع)در نامه تربیتی خود به امام حسن(ع)، پیامبراکرم(ص) را به عنوان الگوی مطمئن معرفی می نماید: فرزندم! بدان که کسی همانند رسول الله(ص)درباره خداوند سخن نگفت، پس به رهبری او راضی شو و در طریق نجات خویش او را پیشوا و الگوی خودقرار بده.» اما مهمتر از معرفی و ارائه الگو در خارج از محیطخانه، علی(ع)خود الگوی تمام نما و کامل برای فرزندانشان بودندو سیره عملی و رفتارهای مثبت او بهترین الگو و سرمشق برای آنان بودند، در موارد متعدد حضرت درس عملی به فرزندانشان داده اند وغیر مستقیم رفتارها و آداب اخلاقی را به آنان القاء نموده اند که پیش از این به برخی از آنها اشاره شده و اکنون به یک نمونه دیگر اشاره می گردد: روزی دو تا از برادران مومن حضرت(ع)که یکی پدر و دیگری پسر بوده به خانه امام آمدند، امام(ع)به احترام آنها ایستاد و آنان را بر بالای مجلس نشانید و خود در مقابل آنان نشست امام(ع)دستور تهیه غذا داد، غذا حاضر شد و آنها باهم غذا خوردند، بعد از غذا قنبر غلام حضرت آمد که دستهای آنان را با آفتابه بشوید، حضرت خود از جای برخاست و آفتابه را ازقنبر گرفت تا دست میهمان را بشوید، پدر امتناع ورزید و عرض کرد: یا امیرالمومنین! چگونه خداوند مرا ببیند در حالی که تو بردستان من آب می ریزی؟ فرمود: برخیز و دستانت را بشو، به درستی که خداوند می بیند که برادر تو که بر تو برتری ندارد، بر دستانت آب می ریزد. آن مرد برخاست و حضرت فرمود: اجازه بده به راحتی بردستان تو آب بریزم همچنان که اگر قنبر آب می ریخت او رامی گذاشتی! آنگاه حضرت بر دستان اوآب ریخت و او دستان خود راشست. وقتی نوبت به شستن دستان فرزند رسید، علی(ع)آفتابه را به محمد بن حنفیه دادند و فرمودند: فرزندم! اگراین فرزندبه تنهایی پیش من می آمد و به همراه پدرش نمی بود، خودم بردستان او آب می ریختم ولی خداوند ابا دارد که وقتی پدر و فرزند با هم هستندبین آنان به مساوات رفتار شود، بلکه پدر بر دست پدر آب بریزد وپسر دستان پسر را بشوید. آنگاه محمدبن حنفیه بر دستان پسر آب ریخت و او دستانش را شست.» .  از این حدیث به روشنی آشکارمی شود که حضرت به طور عملی هم نحوه رفتار با میهمان و چگونگی آداب میهمان نوازی را به آنان آموخت و هم در عمل و غیر مستقیم لزوم احترام به والدین را به فرزندش محمد آموخت.  ه)شیوه همراه کردن امور دینی با خاطرات خوشایند:  یکی از شیوه های جالب توجه در تربیت دینی فرزندان همراه نمودن اموردینی و معنوی باخاطرات خوشایند برای آنان است. بدین صورت که رفتارها وآداب دینی و مذهب را در یک فضای مطبوع و همراه باایجاد خوشایندی و مطلوبیت به فرزندان القاء نمود. برای نمونه،هنگامی که فرزند را همراه خود به نماز جمعه می بریم حتی الامکان در آنجا برای آنان هدیه یا خوراکی تهیه نماییم و یا آنها رابیشتر در مجالس ائمه علیهم السلام که همراه با شادی و پذیرایی است، ببریم و ...  علی(ع)در حدیثی به این شیوه جذاب و موثراشاره فرموده اند: «طرفوا اهالیکم فی کل جمعه من الفاکهه کی یفرحوابا بالجمعه; در هر جمعه به مقداری میوه برای خانواده تان تهیه نمایید تا آنان از فرا رسیدن جمعه ها شادمان باشند(وجمعه ها را دوست داشته باشند » . |